

تسلی نباید پوچ باشد

دوم قرن‌تیاں ۱ ، ۳-۷



متبارک باد خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح، که پدر رحمتها و خدای همه دلگرمیهاست؛ که ما در همه سختیهایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختیها می‌گذرند، دلگرم سازیم. زیرا همان‌گونه که از رنجهای مسیح به‌فراوانی نصیب می‌یابیم، به همان میزان نیز به واسطه مسیح از دلگرمی فراوان لبریز می‌شویم. اگر در سختی هستیم، به‌خاطر دلگرمی و نجات شماس، و اگر دلگرمیم، باز برای دلگرمی شماس، و این کارگر می‌افتد آنگاه که شما همان رنجها را که ما می‌کشیم با بردباری تحمل می‌کنید. امید ما درباره شما استوار است، زیرا می‌دانیم همان‌گونه که در رنجهای ما سهیم هستید، در دلگرمی ما نیز سهیم خواهید بود.

اولین باری که شیطان در باغ عدن دهان به دروغ گفتن باز نمود این بود که او به انسانها قول داد که شرایط آنها روز به روز بهتر خواهد شد. او گفت: « شما نخواهید مرد بلکه همانند خداوند خواهید شد! » اولین دروغ این بود. و از آن زمان به بعد دیگر شیطان دست از این کار خود بر نداشت و آن را ادامه داد که « شما می‌توانید خوشحال‌تر شوید، بهتر شوید، زیباتر شوید، باهوش‌تر شوید و... » ما انسانها نیز از اشتباهات خود درسی نگرفتیم. و پیاپی به دروغ‌های شیطان اعتماد کردیم. حتی در کلیسا‌های مسیحی نیز مردم به دروغ‌های شیطان اعتماد می‌کردند. درحقیقت آنان به کلیسا می‌روند اما آنان قبول ندارند که عیسی مسیح به تنهایی برای انسانهای گناهکار مرده است بلکه قول می‌دهند که فرد می‌تواند خودش بدون عیسی نیک باشد. آنها نه تنها این دروغ را باور دارند بلکه به وسیله ی آن فریب خورده اند. آنها این دروغ شیطان را حتی حمایت می‌کنند و با خود می‌پندارند که ما مسیحیان کامل هستیم و نیاز به نعمت خدا نداریم. آنها این کار را انجام می‌دهند و تظاهر به دوستی میکنند با وجود اینکه در حقیقت تلخی را در درون قلب‌های خود دارند و نمی‌خواهند به کسی در این باره چیزی بگویند یا این خصوصیت خود را نشان دهند. برخی همین خصوصیات را در محیط خانواده نشان می‌دهند مانند نقش بازی کردن در تئاتر. بسیار مهربان، مودب و خوب هستند اما آن کار را تنها به ظاهر انجام می‌دهند. اما در درون چیزی مانند سرطان دارند که روح و بدن آنان را مریض خواهد نمود. نه! کسانی که ایمان ندارند که عیسی مسیح تمام این فداکاری‌ها را برای ما انجام داده است باید انجیل قرن‌تیاں را حتما بخوانند. در آنجا پولس نقص مسیحیان را پنهان نکرد بلکه بحثی میان انجمن قرینتیاں و پولس رسول گسترش یافت. امروزه ما موضوع آن بحث را نمی‌دانیم اما می‌دانیم که در آنجا اختلافاتی وجود داشته و در پایان آنان با یکدیگر آشتی نموده اند. در این آیات کوتاه پولس می‌نویسد که در پایان آشتی صورت گرفته است. این شگفت‌انگیز است که پولس در این آیات کوتاه ۱۱ بار از کلمه ی تسلی و دلگرمی استفاده کرده است. پولس ادامه می‌دهد که خداوند پدر رحمتها و خدای همه دلگرمیهاست. شیطان به انسانها آرامش و تسلی نمی‌دهد! خیر! شیطان با تمام وجودش در تلاش است که به ما بقبولاند زندگی ما به خوبی پیش می‌رود و ما نیازی به آرامش و تسلی نداریم. بله، در بین انسانها افرادی وجود دارند که معتقدند آنان به تنهایی تمام مشکلات دنیوی را می‌توانند حل کنند و به کمک‌کننده احتیاج ندارند. طبیعتا ما باید تمام تلاش خود را بکنیم تا از مقدار مشکلات بکاهیم. اما ما به تنهایی هرگز نمیتوانیم مشکلات را از بین ببریم. به همین دلیل ما نیاز به پشتیبانی در این راه داریم! شیطان می‌خواهد که ما این پشتیبانی و تسلی را نداشته باشیم. بنابراین متوجه می‌شویم که این تسلی بسیار نزدیک به خداوند است. بنابراین اغلب کسی که تسلی پیدا می‌کند خدا را پیدا کرده است. به همین دلیل شیطان در تلاش است که تسلی را از ما دور نگه دارد و در عوض به ما احساس خوشحالی بدهد که مدت کوتاهی بیش طول نمی‌کشد. به همین سبب وانمود می‌کنیم که ما همه چیز را داریم ولی در واقع تنها احساسی زود گذر داریم.

اما هنگامی که خداوند دهانش را باز می کند تنها واقعیت را می گوید. خداوند انسانها را با دروغ گفتن اغفال نمی کند. به همین دلیل او ما انسانها را نصیحت می کند که بدون هیچ استثنایی گمشده و ناامید هستیم. این حقیقت ما را از تحقیر کردن دیگران باز نمی دارد و باعث نمی شود که از درگیری با دیگران خودداری کنیم. بله در کلیساهای مسیحی و حتی در خانواده ها نیز مبارزه پیش خواهد آمد. ما نمی توانیم از آن مسایل جلوگیری کنیم. اما ما با آن جور دیگری رفتار می کنیم. خداوند آرامش در این آیات مخالفت با مبارزه و شک را به ما نشان می دهد. تنها ۱۱ بار این کلمه در آیات موعظه ی امروز ما استفاده شده است. انسانی که زندگی بسیار عالی دارد متوجه نمی شود که نیاز به تسلی دارد. نه! تنها کسی که کاملاً در مشکلات غرق است این مساله را درک خواهد کرد. اما خداوند تسلی پوچ و به درد نخور نخواهد داد بلکه تسلی بسیار واقعی و عمیق می دهد. در زبان کتاب مقدس تسلی معنایی همانند اعتماد دارد. مثل اینکه: «دل قوی دار، فرزندم، گناهانت آمرزیده شد.» (انجیل متی ۹، ۲) و در سخنرانی پایانیش عیسی مسیح می فرماید: «اینها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. در دنیا برای شما زحمت خواهد بود؛ اما دل قوی دارید، زیرا من بر دنیا غالب آمده ام.» (انجیل یوحنا ۱۶، ۳۳).

پس منظور تسلی این نیست که آدم فقط به دیگران دلداری پوچ بدهد! بر عکس. ترس و ناامیدی جدی گرفته می شود. اما خداوند نمی خواهد که ما این چیزها را به تنهایی تجربه کنیم. خداوند می خواهد در میان ما در همین شرایط باشد. عیسی مسیح در انجیل یوحنا ۱۴، ۱۶ می فرماید: «و من از پدر خواهم خواست و او مدافعی دیگر به شما خواهد داد که همیشه با شما باشد. و این تسلی روح القدس است.» او نه تنها مشکلات را از بین خواهد برد بلکه بخشی از ما خواهد شد. او می خواهد در تمام مشکلات و ناامیدی ها همراه ما باشد. حتی در هنگام بحث، او باید سومین کسی باشد که بین دو مخالف می ایستد. ما همه چیز را بد خواهیم دید اگر فکر می کنیم که تنها دو تا مخالف وجود دارند که باید مشکلات شان را پاک کنند. خداوند نیز می خواهد قسمتی از آن باشد. تسلی تنها توافق بین دو نفر نیست بلکه نور خداوند است که به قلبمان می تابد وقتی مشکلات پیش می آید. و این معجزه ی بزرگ عیسی مسیح است که در میان ماست. نه این که شما افراد صلح طلبی شده اید. به ویژه در شرایط بدی است که خداوند از شما دور نیست. او در هنگام درگیری بیشتر و عمیق تر همراه ما است. به همین دلیل است که پولس در قرنتینان نوشته است: با من صلح کنید! نه! او حتی نوشته است: با خود صلح کنید! بلکه او نوشته است: با خداوند صلح کنید! (دوم قرنتیا ۵، ۲۰) خدا ما را از زجر دور نمی کند بلکه وارد شرایط سخت و دردناک می کند. ما همیشه این شرایط را درک نمی کنیم. اما در مورد یک چیز من کاملاً مطمئن هستم. خداوند منتظر است تا ما در دستان او بدویم و فریاد بزنیم: «به من تسلی بده!» و چیزی که او در این شرایط به ما می دهد نه یک تسلی کم ارزش است و نه یک شادی کوتاه مدت. چیزی که او به ما می دهد شادی است که فراتر از فهم انسانی است. چیزی که او می دهد یک تابش خورشید است برای تمام انسانها. چیزی که خداوند به ما می دهد بسیار قابل توجه است زیرا هیچگاه با ما نمی ماند. کسی که خداوند به او تسلی داده باشد نمی تواند چیزی دیگر انجام دهد جز اینکه تسلی را به دیگران دهد. کسی که تسلی را تنها برای خود می خواهد همانند کرم ابریشمی است که منتظر کسی است این ابریشم را برایش باز کند و او را به پروانه تبدیل کند. این اتفاق هرگز نخواهد افتاد و این تسلی هرگز نخواهد آمد. خداوند از ما می خواهد تسلی که او به ما می دهد را به دیگران بدهیم. تنها کسی که دچار مشکل شده است این مساله را درک می کند. پولس در اینجا از مشکلات عیسی تعریف می کند. عیسی که مشکلات مردم را از خود دور نگاه داشته باشد نمی تواند انسانها را از شر گناه، مرگ و شیطان نجات دهد. عیسی مسیح واقعی از این چیزها وحشت زده نشده بلکه آنها را در کنار ما تحمل کرده است. او این کار را انجام داده تا به این وسیله تسلی خداوند شامل ما بشود. تسلی در زبان کتاب مقدس به معنای جرات است. من می توانم جرات داشته باشم هنگامی که یک دلیل داشته باشم. و این دلیل را عیسی مسیح بر روی صلیب به ما می دهد. فقط اینچنین پولس می توانست از تسلی سخن بگوید. حال ما دارای روح القدس هستیم و او به ما کمک می کند تا به آینده نگاه کنیم. و در آینده چیزی جز رستاخیز عیسی مسیح برای ما وجود نخواهد داشت.

و ما تنها می توانیم دعا کنیم و بگوییم:

ستایش از آن خداوند ما پدر عیسی مسیح است. خداوند! به ما تسلی بده و به ما رحمت و برکت عطا فرما! آمین!